



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



چونان سینه‌هایش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعاهای قرآنی

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دعاهای قرآنی
۷	مشخصات کتاب
۷	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۵	فرهنگ دعا
۱۷	چه بخواهیم؟
۱۸	دعاهای قرآنی
۲۱	فراخوان الهی
۲۱	اشاره
۲۴	۱. نیکی دنیا و آخرت
۲۷	۲. صبر و ثبات
۳۰	۳. بار مسئولیت
۳۳	۴. نگهبانی از حریم دل
۳۶	۵. ایمان و غفران
۳۸	۶. نسل پاک
۴۱	۷. ایمان و اطاعت
۴۴	۸. گناه و اسراف
۴۴	اشاره
۴۵	الف) آمرزش گناهان
۴۵	ب) آمرزش اسراف
۴۵	ج) ثبات قدم و پایداری
۴۶	د) پیروزی بر کافران

۹. لبتیک به ندای آسمان ۴۸
۱۰. رستگاری اخروی ۵۱
۱۱. ستم به خویشان ۵۴
۱۲. دوری از ستمگران ۵۷
۱۳. صبر و عاقبت به خیری ۵۹
۱۴. ولایت الهی ۶۲
۱۵. نسل با ایمان ۶۵
۱۶. هدایت الهی ۶۸
۱۷. شرح صدر ۷۱
۱۸. وسوسه‌های شیطان ۷۴
۱۹. عذاب دوزخ ۷۷
۲۰. خانواده باتقوا و نمونه ۸۰
۲۱. شکر و رضا ۸۳
۲۲. حق نعمت خدا ۸۶
۲۳. توبه، زمینه‌ساز رحمت الهی ۸۹
۲۴. دل‌های بی‌کینه ۹۲
۲۵. توکل و انابت ۹۵
۲۶. دعا در حق دیگران ۹۸
- منابع ۱۰۱
- درباره مرکز ۱۰۲

دعاهای قرآنی

مشخصات کتاب

سرشناسه: محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: دعاهای قرآنی / جواد محدثی.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۹۵ ص.

شابک: ۸۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۳-۳:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن — ادعیه

موضوع: قرآن. برگزیده‌ها — ترجمه‌ها

رده بندی کنگره: BP۸۷/م۷۴د۲۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۸۲۶۴

ص: ۱

دیباچه

دعا و مناجات با پروردگار از بال‌های پرواز آدمیان به سوی کمال مطلق و رسیدن به قرب الهی است. هر انسانی برای دستیابی به معارف الهی و ارتباط با معبود خود و زمزمه‌های عارفانه، نیاز به دعا و نیایش و مناجات با حق تعالی دارد؛ از این رو، بخشی از منابع دینی به ویژه قرآن کریم را دعا و نیایش تشکیل می‌دهد.

قرآن کریم در بخشی از آیات به دعاهایی که انبیا و اولیا از پروردگار طلب می‌نمودند، می‌پردازد؛ در برخی از آیات نیز خواسته‌هایی را که شایسته است که انسان‌های پاک از خدا بخواهند، بیان می‌کند تا هم اهمیت دعا را از دیدگاه قرآن بیان نماید و هم شیوه دعا و مناجات و نوع درخواست‌هایی را که می‌توان از پروردگار طلب نمود به مردم آموزش دهد.

ص: ۲

ص: ۸

اثری که پیش رو دارید، با عنوان «دعاهای قرآنی» توسط استاد گرامی حجت الاسلام و المسلمین جواد محدثی تدوین گردیده است. نویسنده در این اثر تلاش کرده است آیاتی از قرآن را که دارای مضامین دعا و استغاثه به پروردگار است، جمع‌آوری کند و با ترجمه و توضیحی ساده و روان در اختیار علاقه‌مندان به معارف قرآنی قرار دهد. امیدواریم که مقبول طبع واقع شود.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

ص: ۹

مقدمه

در کویر سینه‌ام، چشمه‌های «ربنا» ست بر لبم شکوفه «آتِ مَا وَعَدْتَنَا» ست
بند بند هستی‌ام، ترجمان این دعاست:
«لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» (۱)

فرهنگ دعا

دعا، زبان عشق و نیاز بنده به درگاه خدای بی‌نیاز است.
گرایش به دعا و نیایش و اظهار تواضع و نیاز در پیشگاه یک قدرت برتر و سرنوشت‌ساز، در نهاد و فطرت انسان نهفته است. به
عبارت دیگر، روی آوردن به معبود و انجام نیایش، پاسخ انسان به ندا و خواستِ فطری و درونی خویش است.

۱- برگ و بار، جواد محدثی، ص ۲۱.

ص: ۱۰

دعا در سیره بزرگان دین، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. پیامبران الهی، امامان معصوم، اولیای خدا و بندگان وارسته، همواره در پیشگاه خداوند دست به دعا می‌گشودند و چشم امیدشان تنها به بخشش و رحمت پروردگار بوده است.

از «زبور داوود» گرفته تا مناجات‌های پیامبر خدا (ص) و امام علی (ع) و «صحیفه سجادیه» حضرت زین العابدین (ع) و نیایش امام حسین (ع) در عرفات و سایر فرازهای برجسته و جلوه‌های روشنی که در دعاها وجود دارد، گواه این گرایش و اهتمام است.

برداشته‌ام دو دست از بهر دعا ای شاه دو عالم بنگر سوی گدا
دادی به من اذن ذکر نامت از لطف و نه تو کجا و من بی‌رتبه کجا؟

(۱) اجازه‌ای که خداوند به بنده بی‌مقدار خود داده تا او را خطاب کند و از در گاهش حاجت بطلبد، به یقین یک موهبت و توجه ویژه از سوی خداوند است. به تعبیر حضرت علی (ع):

۱- حکیم سبزواری.

ص: ۱۱

قَدْ اِذَنْ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفُلَ لَكَ بِالْاِجَابَةِ. (۱) خداوند به تو اجازه دعا داده و عهده‌دار اجابت گشته است. دعا، تنها تکرار زبانی الفاظ نیست، بلکه ابراز برترین نیازها و خواسته‌ها از عمق وجود و از صمیم دل، در پیشگاه پروردگاری است که قادر مطلق است و سررشته همه امور، به دست توانای اوست. او خدایی است که مقدرات بندگان را رقم می‌زند و عفو و آمرزش و بهشت و دوزخ نیز، در اختیار اوست.

زمانی «حال دعا» پدید می‌آید که معرفت و شناخت ما نسبت به «قدرت و نعمت خدا» و «عجز و نیاز خویش»، کامل شده باشد، تا بدین ترتیب، رابطه‌ای به نام «نیایش» و «دعا»، میان بنده و مولایش پدید آید.

یک ذره ز عجز خویش ابراز کنیم چندان که خدا غنی است، ما محتاجیم

چه بخواهیم؟

این مسئله مهمی است که بدانیم از خدا چه بخواهیم؟

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص: ۱۲

هرکس به اندازه معرفت و به تناسب شناخت و شعور خویش، حاجت می‌طلبد. این نیازخواهی، در بعضی از افراد، تنها در قلمرو خواسته‌های مادی و دنیوی، از جمله خوراک، لباس، مسکن و مال است، اما در برخی از انسان‌ها این نیازخواهی بسیار متعالی است که شامل معنویات و اخرویات هم، می‌شود. از این رو، تأکید شده است که انسان، «دعاهای مأثور» را که از زبان اولیای الهی بیان شده‌اند، بخواند؛ زیرا متعالی‌ترین و مفیدترین حاجت‌ها، در دعاهای معصومین (علیهم السلام) آمده است.

دعاهای قرآنی

در این میان، برخی از دعاها نیز، در قرآن کریم و از زبان پیامبران و صالحان آمده است. آمدن این دعاها در قرآن کریم، هم نشان‌دهنده اهمیت آنها و هم مؤید مضمون این خواسته‌ها، از سوی پروردگار است. انس با کلام الهی و ضرورت بهره‌گیری از معارف قرآنی، ایجاب می‌کند که با این دعاها آشنا باشیم و در قنوت‌ها، سجده‌ها، نمازها و تعقیبات و... از آیه‌هایی که مضامین دعایی دارند، استفاده کنیم. شایسته است که جمله‌های دعایی قرآن را حفظ

ص: ۱۳

کنیم و در زندگی، از آنها به عنوان شعاری معنوی و عرفانی بهره گیریم.

در کل، تعداد بیش از تعدادی است که در این مجموعه آمده، کتاب‌های متعددی نیز، با همین عنوان به استخراج، گردآوری، ترجمه و شرح این دعاها پرداخته‌اند، که البته در این مسیر، هر چه با انگیزه‌ها، روش‌ها و قلم‌های متفاوت برای سطوح گوناگون کار شود، به جاست.

هدف نگارنده، انتخاب، ارایه و نشر برخی از دعاهای قرآنی است که هم کوتاه و روان و هم نغز و دلنشین‌اند و علاوه بر آسان بودن حفظ آنها، بیشتر این فرازهای نورانی برای خوانندگان آشناست.

با امید به مفید واقع شدن این مجموعه، از خداوند می‌خواهیم که دعاهایمان را مستجاب و رحمت و بخشش الهی را شامل حالمان گرداند.

گفتی که مستجاب کنم گر دعا کنی توفیق هم عطا کن و حال دعا ببخش
دل‌های ما که تیره شد از زنگ معصیت یارب به نور معرفت خود، صفا ببخش

ص: ۱۵

فراخوان الهی

اشاره

ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر: ۶۰)

مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.

خدا را شاکریم که هم اجازه داده او را بخوانیم و هم ما را به «دعا» فراخوانده است.

دعا از ماست، اجابت از او.

هر چند در این آیه، استجاب خدا در پی دعای بندگان آمده است، اما چه بسا دعا می‌شود و از اجابت خبری نیست و این به دلایل

متعددی می‌تواند باشد که در روایت‌ها نیز آمده است، از جمله:

۱. جدی نبودن انسان در دعا؛

۲. فراهم نبودن شرایط کامل برای دعا؛

۳. به مصلحت نبودن استجاب دعا؛

۴. اجابت می‌شود، ولی با تأخیر؛

۵. خدا آن خواسته را نمی‌دهد، ولی به جای آن، خواسته و نعمت بهتری را عطا می‌کند؛

ص: ۱۶

۶. اگر دعا مستجاب نشود، پاداش بهتری در قیامت داده می‌شود؛

۷. خالص نبودن دعا، به عبارت دیگر، دعاخوان، هم از خدا می‌خواهد و هم تکیه‌اش به مردم و علل و اسباب مادی است؛

۸. برخی از گناهان، مانع استجاب دعا می‌شود (در دعای کامل است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ»).

امام صادق (ع) فرمود:

أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ، فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ، ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ. (۱)

خداوند، دعایی را که از دلِ غافل و بی‌توجه برآید، مستجاب نمی‌کند. هرگاه دعا کنی، با قلبت رو به خدا آور، آنگاه به اجابت یقین داشته باش.

پس دعا باید از صمیم قلب، با توجه کامل، با شناخت متعالی نسبت به خدا و با برطرف کردن موانع استجاب انجام گیرد، تا خداوند نیز، آن را مستجاب کند.

گروهی از امام صادق (ع) پرسیدند: «چرا دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود؟» حضرت فرمودند:

ص: ۱۷

«لَا تَكُمُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» (۱)؛ «چون که شما کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید».

پس معرفت به خدا هم، از شرایط اجابت است.

اگر این شرایط فراهم باشد، وعده خدا در اجابت دعای بندگان، حتمی است.

پس باید دید کجای کار اشکال دارد که سبب شده دعاها به هدف اجابت نرسد؟ و گرنه او به ما نزدیک است و خواسته‌ها را

می‌داند و می‌شنود و خود وعده داده که اگر او را بخوانیم، پاسخ دهد.

یا رب! چو بخوانی ام «سَمِعْنَا» گویم فرمان تو را به جان «أَطِغْنَا» گویم

بر من تو به فضل اگر «عَفَرْنَا» گویی من آیم و «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» گویم

۱- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۸.

۱. نیکی دنیا و آخرت

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره: ۲۰۱)

پروردگارا! در دنیا و آخرت، ما را حسنه و نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

در آیه قبل، سخن از کسانی است که می‌گویند: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. «آنها در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند».

اما در این آیه، از کسانی یاد می‌کند که هم حسنه دنیا را از خدا می‌خواهند و هم حسنه آخرت را. در هر دو مورد نیز، زمینه خواسته‌ها، کسانی‌اند که سفر حج می‌روند و در معشر و عرفات و منا حضور دارند و مناسک حج را انجام می‌دهند. خدا به آنها می‌فرماید که خدا را بسیار یاد کنند. دعا و نیایش، مصداقی روشن از یاد خداوند است. اما بعضی به تناسب افق محدود فکر خود، آنچه را می‌خواهند، برای دنیای خویش می‌خواهند. اما کسانی که نگاه وسیع‌تری

ص: ۱۹

دارند، از خداوند هم در دنیا و هم در آخرت، «حسنه» می‌طلبند.

«دنیانگری»، نشانه محدودیت بینش انسان است. هستی، تنها در محدوده این جهان خلاصه و محصور نمی‌شود. آخرت، نتیجه اعمال ما در مرحله دنیاست. باید از خدا خواست که هم در دنیا از سعادت‌مندان باشیم و هم در آخرت به سعادت و رستگاری برسیم که اوج سعادت ابدی، رسیدن به رضوان الهی و رهایی از دوزخ است. چه سود اگر به همه نعمت‌ها دست یابیم، ولی آخرت‌مان تباہ و سیاه باشد؟

«حسنه» یعنی خوب و خوبی مطلق.

در روایت‌ها برای حسنه دنیوی و حسنه اخروی مصادیقی بیان شده است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

إِنَّهَا السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالْمَعَاشِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا، وَرِضْوَانُ اللَّهِ وَالْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ. (۱) حسنه در دنیا، عبارت است از وسعت در رزق و زندگی و اخلاق نیکو و حسنه آخرت، عبارت است از رضوان الهی و بهشت.

۱- مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۷.

ص: ۲۰

در روایت دیگری، علم و عبادت در دنیا و بهشت در آخرت به شمار آمده و در جایی دیگر، ثروت در دنیا و بهشت در آخرت گفته شده است. در این باره پیامبر خدا فرموده‌اند:

مَنْ أَوْتَى قَلْبًا شَاكِرًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ زَوْجَةً مُؤْمِنَةً تُعِينُهُ عَلَىٰ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَاهُ فَقَدْ أَوْتَىٰ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ وَقِيَ عَذَابَ النَّارِ. (۱)

به هر کس قلب شاکر و زبان ذاکر و همسر با ایمان داده شود که او را در امر دنیا و آخرتش یاری کند، به یقین حسنه دنیا و حسنه آخرت به او داده شده و از عذاب دوزخ ننگه داشته شده است.

پس، باید همت بلند داشت و خوبی‌های دنیا و آخرت را از او خواست، که او کریم و خزانه کرمش پایان‌ناپذیر است و هر چه عطا کند، چیزی از او کم نمی‌شود.

ص: ۲۱

۲. صبر و ثبات

رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۵۰)

پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان.

صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیم‌اند

بر اثر صبر، نوبت ظفر آید

این دعا، از زبان مؤمنانی بیان شده که در رکاب «طالوت» - که برگزیده خدا برای جهاد قومی از بنی‌اسرائیل با جالوت بود- به میدان نبرد رفتند.

مطالبی که از این آیه برمی‌آید عبارت‌اند از:

۱. دعا جای عمل را نمی‌گیرد. پیروان و سربازان طالوت، در خانه و شهر خود نماندند تا دعا کنند که خدا آنها را بر طاغوتی چون جالوت پیروز گرداند، بلکه از خانه و زندگی‌شان دست شستند و با رفتن به جبهه جهاد، آماده جان‌فشانی در راه خدا و مبارزه با دشمن شدند.

ص: ۲۲

۲. آنها از امتحانی که دادند، سرافراز بیرون آمدند و گرچه تعداد قبول‌شدگان اندک بود، ولی آنها با داشتن عزمی استوار و ایمانی راسخ و امید به نصرت الهی، معتقد بودند که اگر خدا بخواهد و آنها صابر باشند، گروه اندک بر گروه بسیار، پیروز می‌شود. ۳(۱). آنها هنگامی که در برابر دشمن ایستادند و صف‌ها آراسته شد، دعا کردند و از خداوند خواستار شکیبایی، ثبات و پیروزی شدند. از این آیه می‌آموزیم که در راه خدا، برای رسیدن به پیروزی، «صبر» و «ثبات قدم» لازم است. آنچه به رزمندگان نیرو می‌دهد، ایمان و عزم راسخ است نه سلاح و مهمات جنگی. اگر ایمان نباشد، از اسلحه و ساز و برگ نظامی کاری ساخته نیست و به یقین اگر ایمان باشد، رزمنده مسلمان در برابر دشمن با دست خالی هم می‌ایستد و مقاومت می‌کند و در نهایت، اگر به شهادت هم برسد، به «إِحْدَى الْحُسَيْنِ» دست یافته است. صبر و ثبات را خداوند در دل‌ها و گام‌های مؤمنان قرار می‌دهد و پس از آن، پیروزی بر کافران حتمی است.

۱- مضمون آیه ۲۴۹ سوره بقره.

ص: ۲۳

نتیجه صبر و مقاومت یاران طالوت، که در آیه بعدی آمده، شکست کافران و کشته شدنِ جالوت و به حکومت رسیدن حضرت داوود (ع) است که به عنوان یک جوان رشید و شجاع در آن جبهه جنگید و سرکرده کافران را کشت و خداوند هم به او حکومت و حکمت عطا فرمود. (۱) سه خواسته مهم این آیه، عبارت است از:

۱. صبر و مقاومت (که حالتی روحی و درونی است)؛
۲. پایداری و ثبات قدم (که نمود بیرونی آن صبر است)؛
۳. غلبه بر کافران (که نتیجه صبر و ثبات است).

۱- داستان داوود و نقش او در این نبرد، در کتاب‌های قصص انبیا، آمده است.

ص: ۲۴

۳. بار مسئولیت

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۸۶)

پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! بار و تکلیف سنگین بر دوش ما مگذار، آن گونه که بر دوش پیشینیان ما نهادی، پروردگارا! تکلیفی بیش از طاقتمان بر ما منه، از ما درگذر، ما را بیخشای و ما را رحم کن، تو مولای مایی، پس، ما را بر کافران پیروز گردان.

خواسته‌های این دعا:

۱. مؤاخذه نکردن خدا از ما، در صورت فراموشی و خطا؛
۲. رهایی از بار سنگینی که بر دوش امت‌های پیشین نهاده می‌شد؛

ص: ۲۵

۳. تکلیفی بالاتر از حدّ طاقت و توان؛

۴. عفو و بخشایش و رحمت الهی؛

۵. پیروزی بر کافران؛

زمانی که خداوند، آن همه پیامبران و کتب آسمانی و آیه‌ها و نشانه‌ها و پندها و هشدارها را برای هدایت انسان فرستاده و حجّت را بر او تمام کرده است، به قطع، فراموشی تکلیف و فرمان خداوند و راه خطا پیمودن، پذیرفته نیست و خداوند می‌تواند ما را برای فراموش کاری‌ها و لغزش‌هایمان مؤاخذه و کیفر دهد. ولی باز هم، رو به درگاه رحمت او می‌آوریم و از او بخشش می‌خواهیم. در اّمّت‌های پیشین، سنت الهی بر این بود که وقتی افراد مرتکب خطا می‌شدند، خداوند خیلی سریع آنها را عقوبت می‌کرد و نعمت‌ها را از آنها می‌گرفت و آنچه را حلال بود، بر آنها حرام می‌کرد و تکلیف‌های دشوار بر دوششان می‌گذاشت. (۱) ولی از او می‌خواهیم که ما را از این بار سنگین و عقوبت سریع و سلب نعمت‌ها، مصون بدارد. از مظاهر لطف الهی بر بندگان، آن است که تکلیف

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰۴ ذیل همین آیه.

ص: ۲۶

را بر اساس و به اندازه طاقت و توان بندگان قرار می‌دهد. در آغاز همین آیه آمده است: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْرَهَا؛ ولی ما در انجام دادن همین وظیفه مقدور هم، کوتاهی می‌کنیم و از تکلیف گریزانیم، به جاست که از درگاه ربوبی طلب رحمت و بخشش کنیم.

در چاه نفس خویش گرفتارم

از جهل خویش، سر به گریبانم شرمنده‌ام، زیان زده‌ام، خامم من بنده فراری و ترسانم تا کی به درگاه کرم‌ت دوزم این دیدگان خسته و گریانم؟

خواسته پایانی دعا در این آیه، یاری شدن در برابر کافران است. خداوند از مؤمنان در جهاد با کافران پشتیبانی می‌کند و نصرت هم از اوست، اما تلاش و کوشش اهل ایمان هم، لازم است، تا استحقاق پیروزی بر اهل کفر، فراهم آید. این آیه و آیه پیش از آن، آمَنَ الرَّسُولُ، از آیه‌های پرمعناست و مضمونشان از زبان اهل ایمان و معتقدان به خدا و انبیا و فرشتگان و کتب آسمانی است. به همین دلیل توصیه شده که به عنوان تعقیبات نمازها تلاوت شوند.

ص: ۲۷

۴. نگهبانی از حریم دل

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران: ۸)

پروردگارا! پس از آنکه هدایتمان کردی، دل‌های ما را به سوی باطل مگردان و از پیش خود برای ما رحمت عطا کن، همانا تو بسیار بخشنده‌ای.

چون دل سرای توست نه بیگانه

در راه دل نشسته و دربانم حاشا که جز توره به دلم یابد جانم فدایت، ای همه جانانم از وظایف بنده، نگهبانی از حریم دل است. در کلام بزرگان است که: «قلب، حرم خداست، پس در حرم خدا جز خدا را ساکن نکن». به عبارت دیگر، انسان نباید اجازه دهد که حریم دل، پایگاه ابلیس و محلّ وسوسه‌های شیطانی یا اعتقادهای باطل شود و این یک وظیفه مهمّ برای اهل ایمان است، به ویژه، برای کسی که توفیق یافته و قلبی

ص: ۲۸

روشن از هدایت الهی دارد، زیرا از دست دادن قلب هدایت یافته و نورانی، خود یک زیان بزرگ است. خداوند همواره هدایت‌گر انسان‌هاست و دوست ندارد هیچ دلی دچار ظلمت کفر و نفاق و رذیلت‌های اخلاقی شود، ولی زمینه‌های این خروج از دایره ایمان و هدایت، گاهی به دست خود انسان فراهم می‌شود و بدین ترتیب، خداوند، صلاحیت برخورداری از نعمت ایمان و هدایت و حرکت در صراط مستقیم را از او می‌گیرد.

این آیه، از زبان راسخین در علم و معرفت، بیان شده است که همه آیه‌های الهی را قبول دارند و همه را از جانب خداوند می‌دانند و تسلیم پروردگارند. (۱) دل‌های با ایمان، گاهی دچار تردید می‌شود و ایمان را از دست می‌دهد.

افراد هدایت یافته، گاهی در اثر تبلیغات نادرست و فریب گمراهان، دست از هدایت می‌کشند و به بی‌راهه گمراهی کشیده و از دین برگشته می‌شوند.

هدایت، روشنایی دل و جان و گناه و گمراهی، تیرگی دل است. دور از خرد است، اگر کسی از

۱- آل عمران: ۷.

ص: ۲۹

روشنایی به تاریکی نشیند و از نور ایمان دست بشوید.

دل، خانه محبوب است، پس چرا باید شیطان در آن راه یابد؟

قرآن، برخی از دل‌ها را وارونه و مهر خورده می‌داند. نور هدایت، راهی برای ورود به دل‌های لاک و مهر شده خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ (بقره: ۷) ندارند، ولی دلی که روشن شد، حیف است دوباره به تاریکی گرفتار شود.

ص: ۳۰

۵. ایمان و غفران

رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران: ۱۶)

پروردگارا! به یقین ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببخشای و ما را از عذاب آتش [دوزخ] ننگه دار. به فرموده قرآن، این دعا گفته و خواسته انسان‌های خداترس، با ایمان و نیکوکاری است که از پروردگارشان بهشت و نجات از دوزخ را می‌طلبند.

در آیه‌های پیشین، از دنیاطلبی و علاقه به زر و زیورهای فانی دنیوی که در دل بیشتر مردم راه می‌یابد، سخن گفته شده و جلوه‌های دل‌فریب دنیا، ناپایدار به شمار آمده است و برای اهل تقوا، نعمت‌های ابدی بهشت و حوریان بهشتی و رضوان الهی، پاداشی برای اهل تقوا عنوان شده است. آن‌گاه می‌فرماید: «خداوند به بندگانی که چنین خواسته‌ای دارند [آمزش و نجات از آتش] بینا و آگاه است».

در آیه بعدی هم، ویژگی‌های دیگری از این

ص: ۳۱

بهشتیان، از جمله: صبر، صداقت، قنوت و عیادت، انفاق و استغفار در سینه‌دمان را برمی‌شمارد.

خواسته‌های این آیه عبارت است از:

۱. آمرزش گناهان؛

۲. نجات یافتن از آتش.

خداوند، آمرزنده است. پس آمرزش گناهان را هم، باید از او خواست.

خداوند، مالک روز جزاست و حساب و کتاب بندگان و داوری روز قیامت، بر عهده خود اوست و دوزخ را هم برای عقاب کافران

و ستمگران و گنهکاران آفریده است. پس اگر رحمت او دستگیر ما نشود و گناهان آمرزیده نگردند، گرفتار دوزخ خواهیم شد.

پس، عالی‌ترین خواسته را از او می‌خواهیم که «آمرزش» و رهایی از جهنم است.

حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

هیچ خیری که بعد از آن آتش باشد، خیر نیست و هیچ شرّ و بدی که پس از آن بهشت باشد، بد نیست. هر نعمتی کمتر از بهشت،

ناچیز است و هر بلائی کمتر از آتش، عافیت است. (۱)

۱- ما خیرٌ بخیرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَ مَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مَحْقُورٌ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مَحْقُورٌ وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۳۸۷.

ص: ۳۲

۶. نسل پاک

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران: ۳۸)

پروردگارا! ذریه و فرزندی پاک به من عطا کن، همانا تو شنوای دعایی.

این دعا از زبان حضرت زکریا (ع) بیان شده است. او که عهده‌دار تربیت حضرت مریم (س) و متکفل امور او بود. هرگاه زکریا (ع) نزد مریم مقدّس که در محراب عبادت در بیت المقدّس به دعا و نیایش مشغول بود، می‌رفت، می‌دید که در محراب او غذاهای بهشتی وجود دارد. از او می‌پرسید:

«اینها از کجاست؟» مریم می‌گفت: «از سوی خداوند است».

جایگاه والایی که حضرت مریم (س) نزد خداوند داشت، سبب شد تا حضرت زکریا (ع) هم، به داشتن چنین نسل پاک و شایسته‌ای، مشتاق شود و از خدا بخواهد که به او هم فرزندی الهی و پاک عطا کند. خداوند هم دعای او را پذیرفت و با اینکه در

سنین

ص: ۳۳

پیری بود، به او فرزندی چون «یحیی» عطا کرد که او هم از پیامبران شد. (۱) تداوم نسل انسان و زنده ماندن نام و یاد او، از طریق فرزندان است.

فرزندان نیز، خصلت‌های نیک و پسندیده را از پدران و مادرانشان به ارث می‌برند و وقتی بزرگ شدند، خودشان تربیت‌کننده نسلی با ایمان و صالح می‌شوند. از این رو «ذریه طیبه» و نسل شایسته و فرزندان خوب و خَلْفِ صالح، یکی از خواسته‌های متعالی و ارزشمند انسان از درگاه الهی است که صلاح خانواده و جامعه را تضمین می‌کند.

در دعاهای ائمه و پیامبران الهی دیگر هم درخواست «نسل طیب و طاهر» و اولاد شایسته و صالح دیده می‌شود. در «صحیفه سجادیه» نیز امام زین‌العابدین (ع) از خداوند درخواست فرزندانی دارای صحت بدن، صحت دین و صحت اخلاق می‌کند که فرزندانی نیکوکار، باتقوا، بابصیرت، مطیع امر خدا، محب و خیرخواه اولیای الهی و دشمن با دشمنان خدا باشند:

۱- آل عمران: ۳۹.

ص: ۳۴

اصِحَّ لِي اٰبِدَانَهُمْ وَ اٰذْيَانَهُمْ وَ اٰخْلَاقَهُمْ ... وَ اَجْعَلُهُمْ اَبْرَارًا اَتَقِيَاءَ بُصَيْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ ... (۱) هیچ چیز بهتر از نسل پاک و با ایمان، از انسان به یادگار نمی‌ماند.

از این رو، در کنار چنین خواسته‌ای از خدا، باید برای تربیت دینی و اخلاقی فرزندان هم، همت گماشت و فرزندان لایق و نیکو به جامعه تحویل داد.

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۷. ایمان و اطاعت

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (آل عمران: ۵۳)

پروردگارا! به آنچه فرو فرستادی ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی کرده‌ایم، پس ما را از شاهدان و با گواهان بنویس.

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

خوی حیوانی سزاوار تو نیست ترک این خو کن که انسانت کنند

چون نداری درد، درمان هم مخواه درد پیدا کن که درمانت کنند

نخستین گام در بندگی خدا، ایمان به آیه‌های قرآن و کتب آسمانی و دین و شریعتی است که از سوی خداوند فرستاده می‌شود و

نتیجه این ایمان، تبعیت از «رسول» است؛ زیرا پیامبر، واسطه میان خالق و خلق و پیام‌آوری از سوی پروردگار است. کسی که خدا را

پذیرفته است، باید از فرستاده او هم پیروی کند.

ص: ۳۶

این آیه گرچه از زبان اصحاب و حواریون حضرت عیسی (ع) بیان شده است، ولی می‌تواند دعا و خواسته هر انسانِ خدااباوری نیز باشد. در آیه پیشین آمده است که عیسی‌ای مسیح با جمله مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ از مردم سؤال کرد که چه کسی در راه خدا و مبارزه با شرک، مرا یاری می‌کند؟ حواریون که یاران خالص او بودند، گفتند: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ؛ «ما یاوران خداییم و به خدا ایمان آورده‌ایم، و شاهد باش که تسلیم پروردگاریم».

سپس دعای فوق را رَبَّنَا آمَنَّا ... بیان کردند.

در این دعا، بر دو نکته تأکید و سپس خواسته آنها بیان شده است.

نکته اول: ایمان داشتن به آنچه از سوی خدا نازل شده است. دین، رهنمود وحی آسمانی برای هدایت و کمال بشر است و مسلمان و مؤمن کسی است که راه صحیح زندگی و رسیدن به سعادت در دین را بشناسد و پذیرای آن باشد.

نکته دوم: تبعیت کردن از رسول. اطاعت از پیامبر در تداوم اطاعت از خداست. مگر می‌توان خدا و دین او را پذیرفت، ولی از فرستاده او فرمانبرداری نکرد، آنگاه ادعای ایمان به خدا را هم

ص: ۳۷

داشت؟ در قرآن، اطاعت از خدا و رسول با هم آمده است: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ (نساء: ۵۹).

پس کسی که این دو ویژگی را دارا باشد، سزاوار است که از خدا بخواهد او را از «شاهدان» قرار دهد.

«شاهد»، یعنی گواه و حجت و کسی که در ایمان و عمل، کامل و به فرمان خدا و دین پایبند باشد و نیز، به عنوان گواه بر مردم و

شاهد بر دیگران به شمار رود، همچنان که خداوند، امت پیامبر خاتم و مسلمانان را امت وسط و شاهد بر دیگران قرار داده است:

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (بقره: ۱۴۳).

پیامبر، شاهد بر مردم است و مسلمانان شاهد بر دیگران و این مقام بزرگی است که از خداوند خواسته می‌شود و آنها که «شاهد» ند.

از سوی پروردگار به عنوان نمونه و الگو معرفی می‌شوند تا آنها هم از ایشان الگو بگیرند.

ص: ۳۸

۸. گناه و اسراف**اشاره**

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبِّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْكَافِرِينَ (آل عمران: ۱۴۷)

پروردگارا! گناهان و اسراف ما را ببخشای و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر قوم کافر پیروز گردان.

این دعا در قرآن کریم، از زبان انسان‌های موحد و الهی است که در رکاب پیامبران گذشته به جهاد با دشمنان برخاستند و در این راه، نه سست شدند و نه به خاطر سختی‌هایی که به آنها رسید، از خود ضعف نشان دادند، بلکه همواره صبور و پایدار بودند.

(۱) پس از بیان این توصیف، می‌فرماید: «سخن آنها چنین بود که خدایا گناهان و اسراف ما را ببخشای و ما را پیروز گردان».

در این آیه نیز، چهار خواسته مطرح شده است:

۱- آل عمران: ۱۴۶.

ص: ۳۹

الف) آموزش گناهان

«ذنب» به معنای گناه و خطا است، زیرا کیفر و عقوبت را به دنبال دارد و اگر بخشوده نشود، انسان در قیامت گرفتار عذاب الهی خواهد شد. آموزش خواستن از درگاه الهی، یکی از بهترین دعاهاست که در قرآن و ادعیه آمده است.

ب) آموزش اسراف

اسراف به هر نوع زیاده‌روی و از حدّ گذشتن و افراط گفته می‌شود. نمونه بارز آن، ولخرجی و هدر دادن نعمت‌های خدا و ریخت‌وپاش آنهاست. در قرآن هم، اهل اسراف و تبذیر نکوهش شده‌اند و مبدّرن را برادران شیطان نامیده است. اسراف مالی و ناسپاسی نسبت به نعمت‌ها از گناهان بزرگ است و توبه آن هم، پرهیز از اتلاف مال و داشتن قناعت و بهره‌وری شایسته از امکانات و نعمت‌هاست. اسراف در امر، به هر نوع تجاوز از حدّ و مرز اعتدال در کارها گفته می‌شود که شامل افراط و تفریط است.

ج) ثبات قدم و پایداری

آنچه در جبهه نبرد لازم است، استواری و ایستادگی در میدان و فرار نکردن از جنگ و داشتن

ص: ۴۰

روحیه سلحشوری و شجاعت است که امری درونی و قلبی محسوب می‌شود. ثابت قدم بودن در دین و عدول نکردن از آیین صحیح آسمانی نیز، نمونه دیگری از این پایداری است. توفیق این ایستادگی در برابر دشمن و داشتن قوت قلب و صبر و ثبات در دین داری را باید از خدا خواست، که او «مقلب القلوب» است.

د) پیروزی بر کافران

در دعاهای پیشین هم، این خواسته مطرح بود. در جبهه حق و باطل و ایمان و کفر، اگر مؤمنان صادقانه جهاد کنند و با مال و جان فداکاری نشان دهند و دین خدا را یاری کنند، خداوند هم طبق وعده‌اش به آنها نصرت می‌دهد. وعده خدا و تقدیر حتمی او این است که جبهه خدا و پیامبران پیروز شوند: **كَتَبَ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّهُمْ يُفْلِحُونَ** (مجادله: ۲۱)؛ ولی این پیروزی در سایه ایمان و جهاد و صبر مؤمنان به دست می‌آید.

حضرت علی (ع) در «نهج البلاغه»، ضمن بیان مجاهداتی که امت پیامبر (ص) در رکاب رسول خدا (ص) داشتند و خالصانه می‌جنگیدند، می‌فرماید: «چون خداوند صداقت ما را دید، بر دشمنان ما شکست و

ص: ۴۱

خواری و بر ما نصرت و یاری فرو فرستاد، تا آنکه اسلام استقرار و قوت یافت» (۱).
دست حاجت چو بری نزد خداوندی بر که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود
کرمش نامتناهی، نِعْمش بی پایان هیچ خواننده از این در نرود بی مقصود (۲).

۱- فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتُبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ ... نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۵۶.

۲- سعدی.

۹. لَبَّيْكَ بِه ندای آسمان

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (آل عمران: ۱۹۳)

پروردگارا! ما نداکننده‌ای را شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند که: به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما هم ایمان آوردیم. پس گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را بپوشان و از آنها درگذر و ما را با نیکان بمیران.

این آیه، از آیه‌های پایانی سوره مبارکه آل عمران است که مستحب است هنگام برخاستن برای نماز شب و تهجد، تلاوت شود. این آیه از زبان سحرخیزان عاشق و عارفی است که همواره به یاد خدایند و شب و روز، نشسته و ایستاده و خوابیده، او را یاد می‌کنند و به هدف‌داری خلقت باور دارند و خدا را تسبیح گفته، از عذاب دوزخ به او پناه می‌برند.

منظور از «منادی»، که مردم را به ایمان به خدا

ص: ۴۳

دعوت می‌کند، بنا به قولی حضرت محمد (ص) است که از سوی خداوند مأمور بود مردم را به سوی خدا و ایمان به مبدأ و معاد دعوت کند و بنا به قولی دیگر، مقصود از آن، قرآن کریم است که کلام خداست و انسان‌ها را به توحید و ایمان و پیروی از انبیا فرا می‌خواند.

طبق هر نقلی که باشد، در این دعا مراتب پذیرش و قبول دعوت آن منادی آسمانی را ابراز و اظهار می‌کنیم و به آن دعوت ملکوتی، لبتک اجابت می‌گوییم و از خداوند سه خواسته مهم می‌طلبیم:

۱. مغفرت و آمرزش الهی؛

۲. محو گناهان و پوشاندن خطاها؛

۳. مرگ در کنار نیکان و صالحان.

آمرزش پروردگار، با پوشاندن و محو گناهان همراه است. زمانی که کسی آمرزیده می‌شود، قلم محو بر گناهانش کشیده و خطاهایش نادیده گرفته می‌شود.

«ابرا»، انسان‌های با ایمان، صالح و نیکوکاراند که خدا با آنهاست و دوستشان دارد و در آخرت آنها را به بهشت می‌برد و از نعمت‌های بهشتی و شراب طهور به آنها می‌نوشاند و بر تخت‌های بهشتی

ص: ۴۴

می‌نشانند و بهترین پاداش‌ها را به آنها عطا می‌کند. همه اینها در آیه‌های قرآن آمده است. (۱) ما می‌خواهیم از خوبان و ابرار باشیم و هنگام مرگ هم، همچون خوبان بمیریم. روشن است کسی که در جمع نیکان و ابرار باشد، در آخرت هم، همنشین آنها خواهد بود.

همه این مراتب قرب و پاداش‌ها، از آن کسانی است که صادقانه رو به خدا آورند و از چشمه رحمت و آمرزش او برخوردار گردند.

یا رب به سوز سینه پیران پاک‌دل
از ما هر آنچه بود و بُد ناروا، ببخش
یا رب به اشک چشم یتیمان، گذشت کن
یا رب به استغاثه اهل دعا ببخش

۱- ر. ک: آل عمران: ۱۹۸؛ انسان: ۵؛ انفطار: ۱۳؛ مطففین: ۲۲.

۱۰. رستگاری اخروی

رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل عمران: ۱۹۴)

پروردگارا! آنچه را که از زبان فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و ما را در روز قیامت خوار مگردان، تو هرگز وعده را خلاف نخواهی کرد.

این آیه، در ادامه آیه قبل است و مضمون آن خواسته‌های متعالی سحرخیزان و اهل مناجات و نماز شب است. در این آیه نیز، از خداوندی که وعده‌اش راست و حتمی است و به بندگان صالح، بهشت برین و سعادت ابدی را وعده داده است، دو خواسته مهم می‌طلبیم:

۱. تحقق وعده‌های الهی که از زبان پیامبران بیان شده است؛ پروردگار به اهل طاعت، وعده بهشت داده

ص: ۴۶

است. (۱) اما اگر ما را طبق خلاف‌ها و عصیان‌هایمان مؤاخذه کند، شایستگی ورود به بهشت برین را از دست خواهیم داد، ولی اگر ببخشاید و از جرم ما درگذرد، آن وعده‌ها درباره ما عملی می‌شود.

۲. خوار و رسوا نشدن در روز قیامت؛ روز قیامت اسامی مختلفی دارد. روز حسرت، روز پشیمانی، روز خواری، روز تغبان، روز جزا، روز حساب و...

بسیاری از کسانی که در دنیا عزت و آبرو و شوکت و اقتدار دارند، به سبب گناه و جرایمی که مرتکب می‌شوند در روز قیامت، از جمله کسانی هستند که خوار و رسوا می‌شوند. آنان را به سوی دوزخ می‌برند و کسی نیست که آنان را یاری و شفاعت کند. تأکید بر تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی، بر اساس اعتقادهای ما نسبت به خداوند است و ده‌ها آیه نیز، بر این نکته تصریح دارد، از جمله:

۱- آیه‌های بسیاری در قرآن کریم درباره وعده‌های الهی است که در این مختصر حتی اشاره به آنها هم، نمی‌گنجد. تنها به این یک آیه بسنده می‌شود: جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ؛ «بهشت برینی که خداوند مهربان به بندگانش وعده داده است» (مریم: ۶۱).

ص: ۴۷

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (لقمان: ۳۳)

همانا وعده خداوند حق و راست است، پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد. (۱) ای آنکه دیده‌ها همه در آرزوی توست
بخشندگی و فضل و کرم، خلق و خوی توست
تسیح‌گوی تو همه ذرات کائنات
دل‌های بندگان همه در‌های و هوی توست
فرخنده آن سری که شبی پیش تو خم است
شایسته آن تنی که سحر رو به روی توست

۱- ر. ک: احزاب: ۴۴؛ اعراف: ۴۴؛ ذاریات: ۵؛ فاطر: ۵؛ نساء: ۱۲۲؛ روم: ۶ و ...

۱۱. ستم به خویشتن

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف: ۲۳)

پروردگارا! ما بر خویش ستم کرده‌ایم. اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی از زیان کاران خواهیم بود.

ظلم و ستم، گاهی نسبت به دیگری است و گاهی بر خویشتن است.

کسی که دعوت الهی انبیا را نادیده می‌گیرد و از سعادت ابدی و رحمت خداوند دور می‌شود، از فیض خدا محروم شده و در واقع،

به خود ستم کرده است. هرکس گناه کند و مستحق عذاب شود، ظلم به نفس کرده است. رفع این ظلم هم، در آن است که انسان

توبه کند و راه خیر و پاکی پیش گیرد، تا موجبات رحمت و آمرزش الهی را فراهم آورد.

تو آن خدای خالق و رحمانی

من بنده حقیر و پشیمانم با این همه گناه که من دارم چون ادعا کنم که مسلمانم؟

ص: ۴۹

بگذشته از شماره و حدّ و حصر

اندازه خطا و گناهانم شاید مرا نگاه تو گیرد دست ورنه فریب خورده شیطانم آیه یاد شده و دعای آن، از قول حضرت آدم و حوا ۸ است. خداوند آنها را از نزدیک شدن به درختی در بهشت منع کرده بود. اما شیطان آنها را وسوسه کرد. بدین ترتیب، از آن درخت خوردند و از سوی خداوند به خروج از بهشت محکوم شدند. خداوند به آنها یادآوری کرد که: «من گفته بودم شیطان، دشمن آشکار شماست؛ چرا از او پیروی کردید؟» (۱) آن دو، زبان به اظهار پشیمانی گشودند و گفتند که ما به خودمان ستم کردیم و امید به رحمت و آمرزش تو داریم.

البته آنچه آن دو انجام دادند، «ترک اولی» بود نه حرام، و گرنه پیامبران الهی معصوم‌اند و مرتکب معصیت نمی‌شوند. ظلم به نفس هم، که آمده، محرومیت از ثواب الهی به خاطر نزدیک شدن به درختی است که از آن نهی شده بودند. درباره «ظلم به نفس»، روایت‌های بسیار وجود دارد. در این زمینه، از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است:

۱- اعراف: ۲۲.

ص: ۵۰

ظَلَمَ نَفْسَهُ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ اطَاعَ الشَّيْطَانَ. (۱) هر کس خدا را نافرمانی کند و پیروی از شیطان کند، به خودش ستم کرده است. و نیز فرموده‌اند:

ظَلَمَ نَفْسَهُ مَنْ رَضِيَ بِدَارِ الْفَنَاءِ عَوْضاً عَنْ دَارِ الْبَقَاءِ.

(۲) کسی که سرای ناپایدار [دنیا] را به جای سرای جاودانگی [آخرت] بیسندد، به خودش ظلم کرده است.

خداوند درباره کسانی که با گناه، موجبات دوزخی شدن خود را فراهم می‌کنند، می‌فرماید: وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ؛ «ما به آنان ستم نکردیم بلکه آنان خودشان به خویشتن ستم کردند.» (نحل: ۱۱۸)

۱- غرر الحکم، حدیث ۶۰۵۷.

۲- همان، حدیث ۶۰۶۴.

ص: ۵۱

۱۲. دوری از ستمگران

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف: ۴۷)

پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده.

آرزو دارم اگر گل نیستم، خاری نباشم

بار بردار از ز دوشی نیستم، باری نباشم

گرچه نتوانم ستانم دادِ مظلومی ز ظالم

باز این خواهم که همکار ستمکاری نباشم

دوستی با ظالمان و نشست و برخاست با آنها، انسان را به همان گروه ملحق می‌کند. «برائت» از کافران، دشمنان و ظالمان و تبری

جستن از اهل گناه و مخالفان دین و منکران خدا، از واجبات مهم دینی است.

آنچه در آیه فوق آمده، از قول اصحاب اعراف است.

در آیه‌های پیش از آن آمده است که در قیامت، گفت‌وگویی میان بهشتیان و دوزخیان انجام می‌گیرد و میان این دو گروه حجاب

است. در «اعراف» هم، (که

ص: ۵۲

منطقه‌ای بین بهشت و جهنم است)، کسانی هستند که همه را با چهره‌هاشان می‌شناسند و به بهشتیان سلام و درود می‌فرستند. (۱) دعای مطرح شده در این آیه، مربوط به زمانی است که اصحاب اعراف، اهل جهنم را گرفتار عذاب الهی می‌بینند که راه نجاتی از دوزخ برایشان نیست. بدین ترتیب آنها برای بیزاری جستن از اهل جهنم می‌گویند: «خدایا ما را با ستمگران قرار مده». اعلام بیزاری از اهل ستم، نشانه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و ضدّ ظلم بودن انسان است. به یقین، کسانی که در دنیا با ستمگران‌اند، در آخرت هم با همانان خواهند بود.

پس، باید هم از خدا خواست تا ما را با نیکان قرار دهد: وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ.

و هم اینکه سرنوشت و حشر و نشر ما را در دنیا و آخرت با ظالمان قرار ندهد: لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

۱- به آیه‌های ۴۵ و ۴۶ همین سوره دقت کنید.

ص: ۵۳

۱۳. صبر و عاقبت به خیری

رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ (اعراف: ۱۲۶)

پروردگارا! بر ما صبر و مقاومت فرو ریز و ما را «مسلمان» بمیران.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار این دعا از زبان حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع) و مؤمنان آن زمان است. قصه از این قرار است که خداوند، حضرت موسی (ع) را در میان بنی‌اسرائیل برانگیخت تا آنها را از حکومت طاغوتی فرعون نجات دهند و به خداپرستی هدایت کند. هارون برادر آن حضرت هم، در انجام این رسالت در کنارش بود. دعوت آنها مایه خشم حکومت فرعون شد. فرعونیان معجزاتی را که به دست موسای کلیم (ع) آشکار می‌شد، «سِحر» می‌نامیدند و ساحران را برای مقابله با موسای کلیم (ع) ترغیب می‌کردند.

ص: ۵۴

هنگامی که حضرت موسی (ع) عصای خود را افکند و اژدها شد و همه ریسمان‌های مارگونه جادوگران را بلعید، جادوگران فهمیدند که کار موسی (ع) سحر نیست، بلکه به قدرت الهی است. ساحران به سجده افتادند و به خدای موسی و هارون ۸ ایمان آوردند.

فرعون، موسی و هارون ۸ را تهدید به اخراج، قتل و اعدام کرد و ساحران را هم به دار آویخت. کسانی که به دین موسی و خدای یگانه ایمان آورده بودند، گفتند: «تو می‌خواهی از ما انتقام بگیری، زیرا ما به نشانه‌های خدا [و معجزات حضرت موسی (ع)] ایمان آورده‌ایم». (۱) در چنین موقعیتی خطیر، بندگان خدا بایستی به درگاه خدا روی آورند و از او کمک بخواهند. این بود که از خدا صبر و فرجام نیک طلب کردند.

اگر صبر نباشد، فشارها و تهدیدها اهل ایمان را دچار لغزش یا عقب‌نشینی می‌کند.

نکته مهم دیگر، «مرگ در حالتِ مسلمانی» است. بیشتر افراد عاقبت خوبی ندارند و با حالت کفر و بی‌دینی یا فسق، از دنیا می‌روند. برای انسان این یک

۱- این مطلب در آیه‌های ۱۰۳ تا ۱۲۵ سوره اعراف آمده است.

ص: ۵۵

سعادت است که «مسلمان» بمیرد، یعنی در واپسین لحظه‌ها هم، تسلیم خدا باشد و قلبش از آنچه خدا برای او مقدر کرده، راضی باشد و با حالت اطاعت و تسلیم جان دهد و دچار انحراف عقیدتی و فسق و فجور عملی نشود. ساحرانی که به خدای یکتا و حقانیت حضرت موسی (ع) ایمان آوردند، بر این عقیده ثابت ماندند و طبق نقلی، در راه این عقیده به شهادت رسیدند. (۱) خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: «خدایا پاکم کن، آنگاه خاکم کن».

الهی دلی ده که جای تو باشد
 لسانی که در وی ثنای تو باش -- د
 الهی چنانم کن از عشق خود مست
 که خواب و خورم از برای تو باشد
 الهی بر این بنده خود دلی ده
 که مستغنی از ماس -- وای تو باشد

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۶۴.

ص: ۵۶

۱۴. ولایت الهی

أَنْتَ وَوَيْتِنَا فَأَغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ * وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ (اعراف: ۱۵۵ و ۱۵۶)

تو سرپرست و مولای مایی، پس ما را بیامرز و رحم کن و تو بهترین آمرزندگانی و برای ما در این دنیا و در آخرت حسنه و نیکی بنویس، همانا ما به سوی تو روی آورده‌ایم.

در درگهت یکی ز غلامانم

نام تو زینت لب و دندانم غفاری و کریم و خطاپوشی من صاحب معاصی پنهانم با روی آوردن به خدا و پذیرش ولایت او، انسان در مدار بندگی قرار می‌گیرد. هر که بنده آن خالق مهربان شد، از بخشش و رحمت او برخوردار می‌شود. ما از خودمان چیزی نداریم. در دنیا و آخرت، همه امور ما به دست پروردگار است. او، هم حیات‌بخش، هم روزی‌دهنده، هم پاداش‌دهنده و هم بخشاینده است. پس او «ولی» و سرپرست مطلق ما در همه جا

ص: ۵۷

و همیشه است. کسی که به این ولایت اعتراف کند، به رحمت او هم امیدوار است و کسی که در ولایت الهی قرار گرفت، از سلطه‌های دیگر رها می‌شود.

این آیه، از قول برگزیدگانی از امت موسی (ع) است. وقتی حضرت موسی (ع) برای میقات الهی می‌رفت، هفتاد نفر از قوم خود را برگزید. آنها وقتی کلام الهی را در میقات شنیدند، خواستند که خدا را آشکارا ببینند، جلوه الهی در آن میقات، چنان آنها را مدهوش کرد که نزدیک بود جان از پیکرشان جدا و بند از بندشان گسسته شود. نکته‌های دیگری هم در این باره گفته شده است. (۱)

به هر حال، پیامبر (ع) برای آنها در مقام عذرخواهی از پروردگار و از اینکه آنها در این آزمون، خوب ظاهر نشدند، درخواست آمرزش کرد و با اعتراف به ربوبیت و ولایت الهی، از خداوند خواست تا آنها را ببخشد. درخواست دیگر، حسنه دنیا و آخرت بود.

در اینکه مقصود از حسنه دنیا و آخرت چیست، روایت‌های گوناگونی آمده است که بخشی از آنها در ضمن آیه اول این مجموعه گذشت. از جمله گفته

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۵ ذیل این آیه.

ص: ۵۸

شده که: «حسنه در دنیا، نام نیک و توفیق برای اعمال صالح است و حسنه آخرت، رفعت مقام و آمرزش و بهشت است». (۱) این درخواست از زبان کسی است که به خدا رومی آورد و از غیر او دل می‌کند: *إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ*.

خدا هم پذیرای این اقبال و توجه خواهد بود.

«نوای شوق، ز نای دل، عاشقانه برآور

خدای عالمیان را

ز عمق جان و دل خویش، عاشقانه صدا کن

ز خلق و خود بگذر، رو به آستان خدا کن

به اشک نیمه شبی، یاربی، به سجده شگری

سپاس نعمت بی منتهاش، ادا کن».

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۶.

۱۵. نسل با ایمان

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ* رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهيم: ۴۰ و ۴۱)
 پروردگارا! مرا و فرزندان مرا برپا دارنده نماز قرار بده و دعایم را قبول کن. پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را در روزی که حساب (قیامت) برپا می‌شود، ببخشای.

هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند، هاجر و پسر عزیزش اسماعیل را به مکه آورد و در آن سرزمین خشک و بی‌آب در کنار، خانه خدا رها کرد، می‌خواست تا به این وسیله مردم، اهل نماز و خداپرستی شوند. از خداوند هم درخواست کرد که دل‌های مردم را به آنها متمایل سازد و اهل آنجا را هم از نعمت‌ها برخوردار کند، باشد که سپاس‌گزار شوند.
 این مطالب و سپاس‌گزاری حضرت ابراهیم (ع) به درگاه خداوند- که در سنّ پیری به ابراهیم خلیل، پسرانی همچون اسماعیل و اسحاق عطا شد- در قرآن

ص: ۶۰

بیان شده است (سوره ابراهیم، آیه‌های ۳۷ تا ۳۹).

در دعای یاد شده از زبان حضرت ابراهیم (ع)، چند خواسته مهم است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. توفیق نماز گزار بودن، برای خویش خواسته است؛

۲. درخواستِ ذریّه و نسلی که اهل نماز و برپا دارنده این فریضه مقدّس باشند؛

۳. درخواستِ اجابتِ این دعا از سوی خدا؛

۴. درخواستِ آموزش برای خود، پدر و مادرش و مؤمنان.

درباره نماز، تنها نماز خواندن مطرح نیست، بلکه «اقامه نماز» است که مهم‌تر از نماز خواندن است؛ زیرا برپایی نماز در جامعه، برخورداری نماز از روح تسلیم و تواضع و حضور قلب است.

نکته دیگر این است که آن حضرت، داشتن نسلی خداجوی و اهل عبادت را از خداوند خواسته است و این برترین میراثی است که از یک نفر، بر جای می‌ماند. اولاد بسیار، به تنهایی ارزش نیست، اگر نسل انسان خداجو و موحد و اهل نماز باشند، ارزش دارد.

همچنین حضرت ابراهیم (ع) در آموزش خواهی، تنها به خود اکتفا نکرده، بلکه مغفرت الهی را برای

ص: ۶۱

پدر و مادرش و مؤمنان دیگر هم، طلبیده است.

والدین، حق بزرگی بر گردن فرزند دارند. احسان به پدر و مادر یکی از وظایف ماست. دعا در حق آنها و آمرزش خواهی پس از فوتشان، وظیفه دیگری است. کارهای نیک و اعمال صالحی که فرزندان انجام می‌دهند، موجب شادی روح پدر و مادری می‌شود که از دنیا رفته‌اند.

نکته آخر اینکه، این آمرزش را برای روز قیامت که «روز حساب» است، درخواست کرده است.

چشم امید بندگان باید به رحمت و بخشش الهی باشد و اگر عفو الهی شامل نشود، کار بندگان سخت خواهد بود و کسی طاقت حساب دقیق خدا را ندارد.

در روایت‌ها آمده است که: «امروز، عمل است و حساب نیست، فردا حساب است و عمل نیست!»

ص: ۶۲

۱۶. هدایت الهی

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (کهف: ۱۰)

پروردگارا! از سوی خودت برای ما رحمتی عطا کن و برای ما از کارمان راه نجاتی فراهم ساز.

موحد چو در پای ریزی زرش

و یا تیغ هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد ز کس همین است معنای توحید و بس خداوند، تنها تکیه گاه موخیدان در سختی‌ها، گرفتاری‌ها و بن‌بست‌هاست. هر که جز به خدا روی آورد و به غیر او تکیه کند، ناامید و ناکام می‌ماند. داستان «اصحاب کهف» که این دعا از زبان آنها بیان شده است، سرمشق افراد با ایمان است. آنها در عصر دقیانوس می‌زیستند و در دل، اعتقادات یکتاپرستی داشتند و چون حاضر نبودند اندیشه‌های مشرکانه حاکم و حکومت را بپذیرند، از دستگاه طاغوتی جدا شدند و هجرت کردند و به غاری پناه بردند و در آنجا خواستار گشایش کارشان از سوی خداوند شدند.

ص: ۶۳

چشم امید آنها به خدا بود و از غیر خدا هم، ترسی در دل نداشتند. خداوند به مدت ۳۰۹ سال آنها را در آن غار، به خواب عمیقی فرو برد و پس از گذشت سه قرن، وقتی بیدار یا زنده شدند، حکومت دقیانوس نابود و حکومت و تفکر مشرکانه از بین رفته بود و مردم یکتاپرست شده بودند. جوان مردان اصحاب کهف، نمونه‌ای از انسان‌های مؤمن و مصمم بودند که به هیچ قیمتی حاضر نشدند از عقاید صحیح خویش دست بردارند.

زنده شدن دوباره آنها نیز، گواهی بر قدرت خداوند و حیات پس از مرگ و برهانی برای اثبات معاد بود. (۱) در این دعا، آنها از خداوند دو چیز را خواستند: «رحمت» و «نجات».

خداوند رحمان هم پذیرفت. بدین ترتیب آنها، هم از شرّ حکومت طاغوت نجات یافتند و هم مورد توجه ویژه پروردگار قرار گرفتند. خدا هم در قرآن از آنها به عنوان فِتْنَةُ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ؛ (کهف: ۱۳) یاد کرده است؛ یعنی جوان مردانی که به خدای خود ایمان

۱- سریال «مردان آنجلس» که چند سال پیش از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، داستان همان جوانمردان بود.

ص: ۶۴

داشتند، خداوند هم بر هدایت آنها افزود.
رحمت خدا، گاهی به صورت نجات انسان از جامعه کفرآلود و گاهی هم به شکل توفیق برای ایجاد تحوّل فکری و روحی در جامعه است و اصحاب کهف از هر دو رحمت، برخوردار شدند.
آنان دوباره در همان غار، از دنیا رفتند و قبرشان مزار و عبادتگاه مردم گشت.

ص: ۶۵

۱۷. شرح صدر

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه: ۲۵-۲۸)

پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشای، تا سخن مرا بفهمند. خداوند، حضرت موسی و هارون ۸ را مأمور کرد که نزد فرعون بروند و او را به یکتاپرستی دعوت کنند. آن گونه که از روایت‌ها و تاریخ برمی‌آید و قرآن هم به آن اشاره دارد، حضرت موسی (ع) اندکی لکنت زبان داشت، (۱) ولی هارون فصیح و زبان‌آور بود. این بود که موسای کلیم از خدا خواست تا در این دعوت، اجازه دهد برادرش هارون را هم، همراه خود ببرد، تا بهتر بتوانند فرعون را به توحید فرا بخوانند.

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۸.

ص: ۶۶

دعایی که در این آیه‌ها آمده، از زبان حضرت موسی (ع) است. آنچه او خواسته است، عبارت است از: «شرح صدر»، «آسانی امور»، «زبان گویا و فصیح».

شرح صدر، به معنای داشتن قوت قلب و ظرفیت و تحمل بسیار برای شنیدن حرف‌های دیگران یا برخوردهای نامناسب یا مصائب و سختی‌هاست و از ضرورت‌های مهم برای رهبران و مصلحان است. خداوند به پیامبر اکرم (ص) نیز، این موهبت را عطا کرده بود: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (شرح: ۱).

موسای کلیم می‌دانست که در راه رسالت خویش و دعوت فرعونیان، با سختی‌هایی روبه‌رو خواهد شد. از این رو، درخواست شرح صدر از خدا کرد و نیز از خداوند خواست تا کار او را آسان سازد و مشکلات را از سر راهش بردارد و زبانش را به نطق و سخن، گویا سازد تا لکنت زبانش - که از دوران کودکی داشت - در دعوت فرعون به راه خدا، مشکل‌ساز نباشد.

از این آیه قَدْ أَوْتَيْتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى؛ «ای موسی! خواسته‌ات به تو داده شد»، برمی‌آید که مشکل زبانی آن حضرت حلّ و زبانش گویا شد. (۱) باید از خدا خواست تا در برابر سختی‌ها،

ص: ۶۷

مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، به انسان طاقت و تحمّل و ظرفیت بدهد و خودش با هموارسازی راه دعوت به حق، مشکل‌ها را از سر راه بردارد و اسباب و وسایل پیروزی و موفقیت را فراهم کند.

خدا اگر بخواهد، امور را بر بنده‌اش آسان می‌کند. در قرآن آمده است که او انسان را از نطفه‌ای آفرید و وجودش را با اندازه و تقدیر قرار داد و راه را برای او آسان کرد: **ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرُهُ** (عبس: ۲۰).

خوشا دردی که درمانش تو باشی

خوشا راهی که پایانش تو باشی

خوشا چشمی که رخسار تو بیند

خوشا مُلکی که سلطانش تو باشی

خوش -- ی و خرم -- ی و کامران -- ی

کسی دارد که خواهانش تو باشی

چه باک آید ز کس آن را که او را

نگهدار و نگهبانش تو باشی (۱)

ص: ۶۸

۱۸. وسوسه‌های شیطان

رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (مؤمنون: ۹۷-۹۸)

پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم، و پناه می‌برم به تو از اینکه شیطان‌ها [برای گمراه کردن من] پیش من حاضر شوند.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

طیب عشق، مسیحا دم است و مشفق، لیک

چو درد در تو نبیند، که را دوا بکند؟ (۱) یکی از توصیه‌های دینی، «استعاذه» است، یعنی به خدا پناه بردن و در گرفتاری‌ها و وسوسه‌های نفس اماره و ابلیس خناس، از خدا کمک خواستن و به درگاه او روی آوردن.

شیطان، دشمن دیرینه قسم خورده و آشتی ناپذیر

ص: ۶۹

انسان است. او بر اساس سوگندی که خورده، پیوسته در کمین انسان است تا او را بفریبد و با وسوسه‌هایش به گناه اندازد. «همزات شیاطین»، همان وسوسه‌های اغواگر و گمراه‌کننده و به گناه کشاننده است.

اینکه گفته‌اند در آغاز تلاوت و هر کار دیگر، هم «بسم‌الله» بگویید، هم «اعوذ بالله»، برای آن است که در پناه توجه خدا قرار بگیریم و از وسوسه‌های شیطانی مصون بمانیم.

با دشمن نفس، صلح کردن ننگ است

چون در همه حال، با خرد در جنگ است

هر چند سخن ز آشتی می‌گوی -- د

خصمی است که آتش بس او نیرنگ است (۱) دل‌های خالی از یاد خدا، محلّ حضور شیطان خواهد شد.

خانه‌هایی که نماز و عبادت و قرآن و دعا در آن نباشد، به پایگاه ابلیس تبدیل می‌شوند.

اگر انسان مواظبت نکند، شیاطین او را احاطه می‌کنند و در محضر او، حضور می‌یابند و به اغواگری می‌پردازند.

۱- برگ و بار، جواد محدثی، ص ۲۸۷.

ص: ۷۰

قرآن کریم، هم‌چنان که به پیامبر خدا دستور می‌دهد از شر وسوسه‌های خناس که در درون افراد وسوسه می‌کند و از شرّ جادوگران و ساحران و حسودان به خدا پناه ببرد، در همین آیه هم، که در قالب دعاست، به آن حضرت توصیه می‌کند که بگو: «پروردگارا! از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم».

وقتی رسول خدا (ص)، به خدا روی می‌آورد، ما که آسیب‌پذیرتر و بیشتر در معرض خطریم، بیشتر باید به آستان لطف الهی توجه کنیم.

در روایت‌ها آمده است که: «معنای پناه بردن به خدا، از اینکه شیاطین نزد ما حاضر شوند، حضور آنها و غافل کردن انسان از طاعت خدا، یا حضور هنگام خواندن نماز و قرائت قرآن یا در همه احوال است که حاضر شدن آنها زمینه‌ساز بازداشتن بنده از ذکر و عبادت و نماز و توجه و حضور قلب است»^(۱).

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۱۷.

ص: ۷۱

۱۹. عذاب دوزخ

رَبَّنَا اضْرِبْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (فرقان: ۶۵)

پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما بگردان، همانا عذاب جهنم همیشگی است.

خدای متعال، عادل و حساب‌گر است و بهشت و دوزخ را بر اساس عملکرد انسان‌ها برای آنها مقدر می‌سازد.

مقدمه‌رهایی از عذاب جهنم، پرهیز از گناه و ظلم و کفر است. خداوند کسی را بی‌جهت به دوزخ نمی‌برد و عذاب نمی‌کند. آنها

که آخرت و حساب و کتاب قیامت را از یاد می‌برند، به خاطر لذتی زودگذر سراغ ظلم و گناه می‌روند و عذاب همیشگی جهنم را

برای خودشان می‌خرند.

مکن کاری که بر پا سنگت آید

جهان با این فراخی تنگ آید

ص: ۷۲

چو روزی نامه خوانان نامه خوانند

تو را از نامه خواندن ننگت آید(۱). روز قیامت، برخی ایمن و آسوده‌اند و حسابی آسان دارند و به سرعت به بهشت می‌روند. برخی هم نگران و مضطرب و گرفتاراند و مدتی طولانی برای حساب‌رسی معطل می‌شوند و در پایان هم، سرنوشت آتش ابدی دوزخ بر آنها رقم زده می‌شود. بزرگ‌ترین رستگاری در قیامت، همان نجات از عذاب جهنم است.

دعای فوق، در زمره دعا‌های بندگان ویژه خداوند است. قرآن از کسانی به عنوان «عباد الرحمان» یاد می‌کند که اهل بهشت‌اند و ویژگی‌های روحی و عملی و رفتاری آنها را برمی‌شمارد. (۲) یکی از خواسته‌های این بندگان ویژه الهی، همین دعاست که از خدا می‌خواهند عذاب دوزخ را از آنها برگرداند، زیرا جهنم، جایگاهی بسیار بد و سرانجامی بسیار شوم و تلخ است.

ای پرده‌پوش معصیتِ عاصیان، تمام

بر درگه‌ت -- و دیده امید خاص و عام

کار تو عفو و بخشش و انعام روز و شب

شغل تو فضل و رحمت و اکرام صبح و شام

۱- باباطاهر عریان.

۲- فرقان: ۶۳-۷۷.

ص: ۷۳

راضی مشو به شعله نیران شوم مقیم
یا در میان آت-- ش سوزان کنم مُقام (۱) دوزخ، تجسم گناهان ما در همین دنیاست. شرط رهایی از شعله‌های آن، پیمودن ره
بندگی و گریز از وسوسه‌های نفس اماره و شیطان است.
اگر ما بنده رحمانیم، پس پیروی از شیطان چرا؟
اگر خداوند، بهشت را برای بندگان صالح و پرهیزگار آفریده است، پس دوزخی شدن چرا؟

۱- صامت بروجردی.

ص: ۷۴

۲۰. خانواده باتقوا و نمونه

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (فرقان: ۷۴)

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان به ما نور چشم عطا کن و ما را پیشوا و الگوی پرهیزکاران قرار بده. این آیه نیز، در ادامه آیه‌هایی که ویژگی‌های «عبادالرحمن» را بیان می‌کند، آمده است و به یکی دیگر از خواسته‌های آنها از درگاه خداوند اشاره می‌کند که عبارت است از: فرزندان و خانواده‌ای الگو و شایسته و مایه افتخار و نور چشم. داشتن همسر خوب و فرزندان صالح و دیندار، از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند است.

زنِ بد در سرای مرد نکو

هم در این عالم است دوزخ او در این آیه سه خواسته مطرح شده است: ۱. همسران خوب و مایه چشم روشنی؛

۲. فرزندان شایسته و مایه سرافرازی؛

۳. الگو و پیشوا بودن برای اهل تقوا.

ص: ۷۵

گاهی افراد، گرفتار همسر و فرزندان فاسد، بی تقوا و گنه کار می شوند که مایه بدنامی و شرمساری است. چنین افرادی از شرم نمی توانند در جامعه و پیش مردم سربلند کنند و پیوسته در عذاب روحی و رنج درونی اند.

بعضی هم، با داشتن همسران پاک سرشت و فرزندان با ادب و صالح، احساس سربلندی می کنند و چنین همسر و فرزندان، مایه نشاط زندگی و چشم روشنی آنهاست.

از اینها گذشته، بعضی به مرتبه‌ای از خودسازی و صلاح می رسند که در جامعه، نقش الگو پیدا می کنند و سخن و رفتار و زندگی شان نمونه یک «زندگی مکتبی» می شود و اهل تقوا از رهگذر پیروی و سرمشق گرفتن از آنها به عنوان امام و پیشوا، راه خیر و سعادت را می پیمایند.

در درجه نخست، پیامبران و اوصیا و امامان معصوم: این نقش و ویژگی را دارند.

عالمان و عارفان و فرزندان، گروه دیگری هستند که برای مردم سرمشق اند.

گاهی هم، انسان‌های معمولی، ولی پاک و نمونه، اسوه و معیار خوبی در نظر دیگران می شوند. خوشا به

ص: ۷۶

سعادت آنها!

مردم، بیش از آنکه تحت تأثیر سخن، نصیحت و تبلیغ‌های گفتاری و نوشتاری قرار بگیرند، از عمل افراد صالح الگوبرداری می‌کنند.

«دو صد گفته، چون نیم کردار نیست».

کلام امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «دعوت‌کننده مردم باشید، ولی نه با زبانتان، بلکه با عملتان»، به همین جنبه الگویی انسان‌های مؤمن و شیعیان خالص اشاره دارد.

تعدادی از افراد، در راه خلاف و مسیر جهنم سرمشق دیگران می‌شوند و تعدادی دیگر هم، در راه خدا، سعادت و بهشت اسوه و پیشوای مردم‌اند.

و تفاوت میان این دو قشر، از زمین تا آسمان است.

ص: ۷۷

۲۱. شکر و رضا

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
(نمل: ۱۹)

پروردگارا! مرا الهام کن تا سپاس گزار نعمت تو باشم، نعمتی که بر من و بر پدر و مادرم عطا کردی و اینکه کار شایسته‌ای انجام دهم که تو پسندی و مرا با رحمت خویش در زمره بندگان شایسته‌ات وارد کن.
این دعای حضرت سلیمان (ع) است، پس از آنکه از سرزمین مورچگان عبور کرد.
قصه از این قرار است که سلیمان نبی ۷، که خداوند به او هم نبوت و هم حکومت عطا کرده بود و سپاه جن و انس و پرنده‌گان در اختیار او بودند، وقتی با لشکریان خود از سرزمین مورچگان عبور می‌کرد، [\(۱\)](#) مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان! وارد لانه‌های خود شوید، تا

۱- آن وادی به روایتی در طائف و به نقلی در شام بوده است. مجمع البیان، ذیل همین آیه.

ص: ۷۸

سلیمان و لشکریانش شما را نابود نکنند».

سلیمان از حرف آن مورچه خندید و این دعا را کرد و از خداوند درخواست توفیق برای شکرگزاری نعمت‌های الهی را داشت.

(۱) نظر کردن به درویشان، بزرگی کم نگرداند

سلیمان با همه حشمت، نظرها داشت با موران

سلیمان، حشمت و جلال بی نظیری داشت. پدرش حضرت داود (ع) نیز زبان حیوانات را می‌دانست و آهن در دستانش نرم بود و او

نیز، همچون سلیمان (ع)، پیامبری و فرمانروایی را با هم داشت. مادر ایشان هم، زنی صالح بود که هم همسر پیامبر بود و هم مادر

پیامبر و این نعمت‌های بزرگ، در خور ستایش و شکرگزاری است.

درخواست سلیمان (ع) در این دعا، چند چیز است:

۱. درخواست توفیق و الهام و رهنمود الهی برای شکر؛ اینکه چگونه و با چه زبان و چه تعبیری باید خدا را شکر کرد که اگر با

توجه و الهام الهی باشد، بهتر است.

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش به درآید ۲. شکر بر نعمت‌های الهی نسبت به خود و پدر و

ص: ۷۹

مادر؛ خود والدین، نعمتی بزرگ‌اند که تا زنده‌اند، انسان قدرشان را نمی‌داند. هم باید بر اصل این نعمت، شاکر حق بود و هم بر نعمتی که خدا به پدر و مادر انسان عطا کرده است.

۳. توفیق عمل صالح و خدایسندانه؛ بیشتر افراد اهل عمل‌اند، ولی اعمالشان صالح و مورد رضایت خدا نیست. اگر خداوند اعمال بنده‌ای را بپسندد و بپذیرد، بالاترین اجر را به او می‌دهد.

۴. ورود به جمع بندگان شایسته و صالح خداوند؛ هر کس در هر گروهی باشد، سرنوشتش با آنها گره می‌خورد.

کبوتر با کبوتر، باز با باز

کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز

در دعاهای بسیاری آمده که انسان درخواست می‌کند در جمع بندگان صالح خدا و در زمره نیکان باشد.

تو اوّل بگو با کیان زیستی

پس آنکه بگویم که تو کیستی از ابن عباس نقل شده که مقصود از «عباد صالح»، که سلیمان (ع) از خداوند خواست تا در زمره

آنها باشد، پیامبرانی همچون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب: و انبیای پس از آنها هستند. (۱)

۲۲. حق نعمت خدا

رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ (قصص: ۱۷)

پروردگارا! به پاس نعمتی که بر من عطا کرده‌ای، هرگز پشتیبان خطاکاران نخواهم بود.

در این آیه، گرچه خواسته و طلبی وجود ندارد، ولی چون گفت‌وگو و تعهد یک بنده صالح با خداوند است و با کلمه «رَبِّ» آغاز شده، در ردیف دعاهای قرآنی آمده است.

این سخن، از زبان حضرت موسی (ع) است. او از عنایات خاص الهی برخوردار بود. او با تدبیر الهی، به دربار فرعون راه یافت و همان‌جا رشد یافت و جوانی رشید شد.

روزی حضرت موسی (ع) شاهد درگیری یک فردی از بنی‌اسرائیل با یک فرد وابسته به فرعون شد. پس در آن صحنه دخالت و از آن مظلوم طرف‌داری کرد و چون تحت تعقیب قرار گرفت، فرار کرد و سر

ص: ۸۱

چاه مدین رفت و با دختران شعیب (ع) روبه‌رو شد و در نهایت، پیش شعیب رفت و داماد او گشت. (۱) او در همه این مراحل، از لطف و نعمت خداوند برخوردار بود.

بدین ترتیب، حضرت موسی (ع) به سبب نعمت‌های الهی که خداوند به او ارزانی داشت، متعهد شد که هرگز از ظالمان و مجرمان پشتیبانی نکند.

در این آیه چند نکته وجود دارد:

۱. ضرورت نعمت‌شناسی و شکرگزاری نعمت؛ بی‌توجهی به نعمت‌های الهی، نوعی بی‌معرفتی نسبت به خدای مهربان است. ما غرق در نعمت‌های اویم، که حتی قدرت شمارش آنها را هم نداریم، تا چه رسد به اینکه شکر آنها را به جا آوریم.

۲. بهره‌گیری صحیح از نعمت‌ها؛ استفاده از نعمت الهی، در مسیری که خلاف فرمان و رضای خداوند است، بزرگ‌ترین ناسپاسی است. شکر شایسته نعمت آن است که آن را در راه خداپسندانه و صحیح مصرف کنیم.

در این باره، حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

۱- داستان مفصل او در آیه‌های ۱۴ تا ۲۸ سوره مبارکه قصص آمده است.

ص: ۸۲

أَقَلُّ مَا يَلْزُمُكُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَشْتَعِبُوا بِنِعْمِهِ عَلَىٰ مَعْصِيَةٍ. (۱) کمترین چیزی که برای خدا برعهده شماست، آن است که از نعمت‌های خدا در راه نافرمانی خدا استفاده نکنید.

حضرت موسی (ع) مورد تأیید خداوند قرار گرفت، به مقام نبوت رسید، برای نجات بنی‌اسرائیل از چنگال ظلم و فرعون ستمگر، تلاش کرد، آنها را از رود نیل عبور داد و پس از آنکه مدتی طولانی زیر سلطه ستمگرانه آن طاغوت بودند، آنها را به عزت و سروری رساند.

این عمل به دلیل تعهدی بود که به خداوند داشت، تا هرگز پشتیبان ستمگران نباشد.

آری!

شکرانه بازوی توانا بگرفتن دستِ ناتوان است

ص: ۸۳

۲۳. توبه، زمینه‌ساز رحمت الهی

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (غافر: ۷)

پروردگارا! با رحمت و دانش خویش بر همه چیز احاطه داری. پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کردند بیامرزش و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار.

غرق گنه، ناامید مشوز دربار ما که عفو کردن بود در همه دم کار ما

بنده شرمنده تو، خالق بخشنده من بیا بهشت دهم، مرو تو در نار ما

توبه شکستی بیا، هر آنچه هستی بیا امیدواری بجوی، ز نام غفّار ما

(۱) این دعا از زبان «حاملان عرش» است؛ کسانی که عرش را با آن عظمت الهی که دارد، در ملکوت اعلا

۱- تابع.

ص: ۸۴

بر دوش می‌کشند؛ فرشتگان مقرب پروردگار که مأموران ویژه خدا در نظام هستی‌اند و پیوسته به تسبیح و ثنا و ستایش حق مشغول‌اند و در حق مؤمنان، دعا و استغفار می‌کنند. در این آیه، که از زبان آنهاست، برای اهل توبه و پیروان راه خدا، طلب آمرزش و نجات از عذاب جهنم شده است.

پیش از این خواسته، دو صفت برای خداوند آمده است:

۱. وسعت رحمت الهی؛ که همه کائنات را فراگرفته است، شبیه آیه دیگری که می‌فرماید: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (اعراف: ۱۵۶).

۲. علم گسترده و بی‌نهایت خداوند؛ که شامل هر چیزی است و شبیه آیه دیگری که می‌فرماید: وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (طه: ۹۸). فرشتگان حاملان عرش، بیش از دیگران به جبروت و قدرت مطلقه پروردگار و علم و رحمت واسعه او آگاه‌اند. از این رو، پس از ستایش خداوند به این دو صفت (وسعت رحمت و علم)، از آستان او می‌خواهند که اهل توبه و اهل تقوا را مشمول آمرزش خویش قرار دهد.

توبه، راهی برای بیرون رفتن از بیراهه عصیان و

ص: ۸۵

پنجره‌ای گشوده به وادی رحمت پروردگار است. اساس آن هم پشیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن و جبران گذشته و پیش گرفتن راه تازه و رو به خداست. از این رو، در این آیه، پس از «توبه»، بی‌درنگ موضوع «پیروی از راه خدا» مطرح است که گویا، بدون حرکت در این مسیر نورانی، توبه محقق نمی‌شود.

آنکه گناه می‌کند، از علم الهی غافل است و نمی‌داند که جهان و عالم، محضر خداست و نباید در محضر خدا گناه کرد. آن هم که از رحمت گسترده خدا بی‌خبر است، راه گناه را ادامه می‌دهد و فکر می‌کند سرنوشتی جز دوزخ ندارد. اما توبه، روزه‌ای گشوده به آمرزشی از سوی خداست و تا فرصت از دست نرفته، باید از آن بهره جست.

چند گویی که به پیری رسم و توبه کنم

چه کنی گر به جوانی به لحد درمانی!

۲۴. دل‌های بی‌کینه

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (حشر: ۱۰)

پروردگارا! ما را بیامرز و برادران ما را که در ایمان بر ما سبقت گرفتند را ببخشای و در دل‌های ما کینه مؤمنان را قرار مده، پروردگارا تو مهربان و رحیمی.

در فرهنگ قرآنی، از دو گروه با بزرگی و تکریم یاد شده است: یکی مهاجران، دیگری انصار. مهاجران به دلیل پیش‌قدم بودن در ایمان و مسلمانی و سابقه دین خدا، جایگاه والایی دارند و چون در راه ایمانشان هجرت کردند و از مکه به مدینه رفتند، مورد احترام‌اند.

انصار، به دلیل آنکه آغوش خود را به روی مسلمانان مهاجر گشودند و از آنها در برابر حمله‌های کفار قریش دفاع کردند، شایسته تجلیل‌اند.

در سوره ممتحنه، از هر دو گروه یاد شده و تلاش

ص: ۸۷

و ایمان و هجرت و پناه دهی و حمایت و یاری آنها، مورد تقدیر قرار گرفته است. (۱) این آیه، از زبان مسلمانانی است که پس از مهاجرین آمدند و به دین حق پیوستند و دو خواسته مهم مطرح کرده‌اند:

۱. آموزش برای خود و مسلمانان پیشتاز و باسابقه؛

۲. پاک بودن دل‌ها از کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان.

در خواسته اول، بر جایگاه پیشکسوتان و حق تقدّم مسلمانان اولیه، و در خواسته دوم، بر پاک‌ی دل‌ها از کینه و بدخواهی، (۲) تأکید شده است.

دل بی‌کینه نسبت به مردم و اهل ایمان، از نعمت‌های الهی است. یکی از ویژگی‌های اهل بهشت، این است که نسبت به هم کینه و حسد و بدخواهی ندارند. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «الْغُلُّ بَدْرُ الشَّرِّ» (۳)؛ «کینه و بدخواهی، بذر شرّ و بدی است». تا زمانی که دل‌ها نسبت به هم کینه دارند، صلح و

۱- به آیه‌های ۸ و ۹ دقت شود.

۲- وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ ... حجر: ۴۷.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ح ۱۹۷۶.

ص: ۸۸

صفا از جامعه رخت برمی‌بندد، همکاری‌ها کاهش می‌یابد و شیطان برای جنگ‌افروزی و ایجاد تفرقه، فرصت مناسبی پیدا می‌کند. برعکس، اگر انسان، از کسی کینه‌ای در دل نگه ندارد و گذشت داشته باشد، روابط مردم صمیمانه می‌شود و راه بر رخنه شیطان صفتان و تفرقه‌افکنان بسته می‌شود.

در اقلیم محبت جز صفا نیست

در آن وادی به جز نور خدا نیست

فقط لبخند مهر است و محبت

دگر کین‌توزی و جور و جفا نیست

ص: ۸۹

۲۵. توکل و انابت

دعاهای قرآنی؛ ص ۸۹

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ* رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ممتحنه: ۴ و ۵)

پروردگارا! بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و سرانجام همه به سوی توست. پروردگارا! ما را دچار فتنه کافران نگردان و ما را پیامرز، پروردگارا! همانا تو قدرتمند حکیمی.

«توکل»، تکیه کردن بر خداوند توانا در همه امور است. در قرآن بارها چنین آمده است که: «تنها بر خدا تکیه کنید» (۱)، «مؤمنان تنها بر خدا تکیه و توکل می کنند». (۲) توکل، جلوه‌ای از توحید و ایمان به ولایت و حاکمیت مطلقه پروردگار در هستی است و کسی که دارای صفت توکل باشد، در سختی‌ها ناامید

۱- مائده: ۲۳.

۲- آل عمران: ۱۲۲؛ توبه: ۲۵؛ ابراهیم: ۱۱ و ...

ص: ۹۰

نمی‌شود، زیرا خود را به سرچشمه قدرت متصل می‌بیند.

«انابت»، به معنای رجوع است. رویکرد اهل ایمان، به خداست و از علل و اسباب گوناگون، روی برمی‌گردانند و تنها به خداوند توجه می‌کنند. معنای لغوی انابت، رجوع مکرر و پی در پی است و انابت به درگاه خدا، یعنی توبه و خالص‌سازی عمل. (۱) «مصیر»، به معنای سرانجام و نهایت و فرجام است. همه چیز از خداست و به سوی او باز می‌گردد. انسان‌ها هم در قیامت، به سوی پروردگار رجوع می‌کنند و سرنوشت بندگان، به دست خدای متعال است. در این آیه، به جایگاه والای آفریدگار در هستی اشاره شده است و تمام توجه، تکیه و بازگشت و توبه مسلمان مؤمن و متوکل، تنها به درگاه الهی است.

به هر کجا نگریم جلوه خدا پیداست به هر دیار روم، راه و رهنما پیداست

آنکه خدا را دارد، چه ندارد؟ و آنکه خدا ندارد، چه دارد؟

دعای این آیه، از قول حضرت ابراهیم (ع)، آن

۱- مفردات راغب، واژه «نوب».

ص: ۹۱

بت‌شکن بزرگ تاریخ و مؤحدان همراه او است. قرآن، با معرفی کردن او به عنوان «اسوه»، براثت او و همراهانش را از مشرکان و بت‌پرستان نقل کرده و فاصله و مرز اعتقادی مؤحد و مشرک را ترسیم می‌نماید. در پایان آیه نیز چنین آمده است: پروردگارا! توکل و توبه و انابت ما به درگاه توست و سرانجام امور هم به تو باز می‌گردد، ما را دچار عذاب و آزار کافران مساز و ما را بیامرز.

چه بسا، اگر انسان از سوی دشمنان دین خدا، گرفتار عذاب و شکنجه شود، از دین برگردد و اگر تحت سلطه آنها قرار گیرد، در دین‌داری ضعیف شود. اینجاست که اگر مؤمن، به خدا اعتماد و توکل کند، او را یاور و پشتیبان خویش خواهد یافت.

ای ذکر جان‌فزای تو مفتاح باب‌ها وی نام دل‌فروز تو زیب کتاب‌ها

جایی که قهر توست، چه شادی و راحتی جایی که لطف توست چه غم از عذاب‌ها

ص: ۹۲

۲۶. دعا در حق دیگران

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (نوح: ۲۸)

پروردگارا! مرا بیامرز و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه من وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ستمگران را جز هلاکت و نابودی میفرای.

حضرت نوح (ع)، یکی از پیامبران اولوالعزم بود که عمری بسیار طولانی داشت و تلاش بسیاری در راه هدایت قوم خود کرد، هر چند آن مردم لجوج، با او دشمنی کردند و جز تعدادی اندک، کسی دعوت او را نپذیرفت و خداپرست نشد. او هم به فرمان الهی، کشتی بزرگی ساخت و در پی نفرین او، همه جا را آب فرا گرفت و کافران هلاک شدند و مؤمنان نجات یافتند. داستان طوفان نوح و کشتی نجات‌بخش او معروف است و در چندین آیه قرآن کریم، آمده است.

در سوره نوح، هم نفرین‌های حضرت نوح (ع) بیان

ص: ۹۳

شده است (آیه‌های ۲۱ تا ۲۶) و هم، دعاهای او در حق بندگان شایسته و با ایمان.

در این آیه، حضرت، هم خواستار آمرزش خود، پدر و مادرش و مؤمنان دیگر شده است و هم ریشه‌کن شدن و زیان برای ستمگران را از خداوند خواسته است.

چند نکته از این آیه استفاده می‌شود:

۱. آمرزش خواهی برای خود و والدین؛ بعضی‌ها پدر و مادر خود را از یاد می‌برند و در حق آنها دعایی نمی‌کنند. نیکی به والدین، ثواب بسیار دارد، عمر را طولانی می‌کند، موجب رضای خداست، رزق و روزی را افزایش می‌دهد. دعا در حق آنها نیز، از نمونه‌های روشن احسان به والدین است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

چه چیزی مانع است که کسی به والدین خود نیکی نمی‌کند، چه زنده باشند، چه مرده؟ از سوی آنان نماز بخواند، از طرف آنان صدقه دهد و حج رود تا پاداش آن صدقه و حج و نماز، به همان اندازه در پرونده خودش هم ثبت شود. (۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۶.

ص: ۹۴

۲. دعا در حق دیگران؛ در سیره حضرت زهرا (س) آمده است که او دعا می‌کرد و بیشتر دعاهایش درباره همسایگان بود، نه خودشان. (۱) این روش، نشانه مهرورزی و نوع دوستی انسان است. در روایت‌ها آمده است که بهترین دعا، آن است که پشت سر مؤمنان در حق آنها دعا کنی، نه رو در رو. از پیامبر خدا (ص) نقل شده است:

لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعُ اجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ غَائِبٍ لَغَائِبٍ. (۲) هیچ دعایی سریع‌تر اجابت نمی‌شود از دعای غایبی در حق غایب دیگر.

۳. نفرین به ستمگران؛ این نوعی تولی و تبری و موضع داشتن نسبت به افراد تبه‌کار است. همچنان‌که خداوند ظالمان را دوست ندارد، مؤمن هم نباید گرایش به ستمگران داشته باشد، بلکه در دعاهایش باید آنها را نفرین کند تا شر آنها از سر مردم کوتاه شود.

و الحمد لله رب العالمین

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۸.

۲- همان، ص ۳۹۵.

ص: ۹۵

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء.

۲. برگ و بار، جواد محدثی، قم، بوستان کتاب.

۳. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین.

۴. غررالحکم ودررالکلم، آمدی، چاپ دانشگاه.

۵. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه.

۶. مجمع البیان، طبرسی، کتابخانه مرعشی نجفی.

۷. مفردات قرآن، راغب اصفهانی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

